

ظرفیت نظام آموزشی امامیه در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر پنج قرن نخست هجری)

محمدجواد یاوری سرتختی*
استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

در میان جنبه‌های گوناگون فعالیت‌های فرهنگی و تمدنی، آموزش علم و ادب به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم، همواره مورد توجه بوده و امروزه نیز معرف هویت و معیار توسعه یافتگی جوامع به‌شمار می‌رود. بسیار واضح است که نظام آموزشی به‌عنوان بخشی از ساختار تمدن اسلامی، موتور محرک و ظرفیت‌ساز شکل‌گیری و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی را برعهده دارد؛ اما باتوجه به انتقاداتی که نسبت به غیرفعال بودن نظام آموزشی امامیه و دست‌آوردهی آن در پنج قرن نخست هجری وجود دارد، ضمن دفاع از وجود آن باید به نقش آن در ظرفیت‌سازی فرهنگ و تمدن اسلامی بپردازد. لذا این مسأله پژوهش حاضر را برآن داشته تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که ظرفیت نظام آموزشی امامیه در تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی با تکیه بر پنج قرن نخست، چیست و چگونه تحقق یافته است؟

باتوجه به هدف کشف چگونگی نقش نظام آموزشی امامیه در تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی، نتیجه آن گردید که نظام آموزشی امامیه به‌دلیل برخورداری از مؤلفه‌ها، عناصر و ویژگی‌های ظرفیت‌ساز نقش به‌سزایی تعالی خود و شکل‌گیری و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. شیعیان باتکیه بر نظام امامت‌الهی، مبانی، منابع تولید علم و اصول آموزشی در فعالیت‌های علمی و آموزشی حضور فعالی داشته و توانسته‌اند، با بهره‌گیری از ویژگی‌های ظرفیت‌ساز آن ضمن عرضه توانمندی، حیات و هویت فرهنگی و تمدنی خود را تضمین کنند.

واژگان کلیدی: نظام آموزشی، شیعه امامیه، فرهنگ و تمدن اسلامی، مؤلفه‌ها و عناصر ظرفیت‌ساز در تمدن اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۲

* (نویسنده مسئول: javadyavari@yahoo.com)

مقدمه

هویت تاریخی هر جامعه‌ای در قالب فرهنگ و تمدن آن جامعه بروز و ظهور یافته و دستیابی به این هویت، از طریق شناخت فرهنگ و تمدن مذکور میسر می‌گردد. جهان اسلام نیز با پشتوانه تاریخی در توسعه فرهنگی و تمدنی، از چهره‌ای درخشان و هویتی ارزنده در طول تاریخ بشری برخوردار است که بی‌شک تبیین جنبه‌های مختلف آن برای نسل‌های جدید به‌منظور ایجاد آگاهی بیشتر نسبت به تاریخ و هویت اجتماعی‌شان ضروری است تا از این طریق بتوان راه نفوذ و سلطه اندیشه‌های بیگانه را بست.

در میان ابعاد و جنبه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن، آموزش علم و ادب به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم، همواره مورد توجه بوده و امروزه نیز معیار توسعه یافتگی جوامع به‌شمار می‌رود؛ یکی از مهم‌ترین دلایل آن، نقش بنیادی آموزش در تربیت و تعالی مادی و معنوی انسان، شکل‌گیری و توسعه فرهنگ و تمدن در جوامع اسلامی است. بنابراین، در تمدن اسلامی که برپایه تعلیم و تربیت دین‌محور بناگرمیده، این مقوله از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است.

باتوجه به اهمیت موضوع، قابل ذکر است که چگونگی شکل‌گیری یک نظام آموزشی، مبانی، اهداف، منابع تولید علم، مواد و متون، روش‌ها، ابزار، سیر تحول آموزش و مراکز علمی و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی، سیاسی و تمدنی، امروزه از جمله مباحثی است که محققان به دنبال بررسی آن هستند. عمده اهداف آنان از این کار، شناخت و کشف یک نظام آموزشی، به‌کارگیری آن در جهت تولید و توسعه علم، پرورش نخبگان و تربیت علمی و معنوی نسل جوان است. بنابراین، سخن از تعالی (پیشرفت) فرهنگ و تمدن اسلامی اقتضا دارد تا به این سؤال‌ها پاسخ داده شود که زمینه‌ها و عوامل تعالی یک تمدن چیست؟ این زمینه‌ها و عوامل چه بوده و چگونه ظرفیت‌هایی را ایجاد می‌کنند تا یک تمدن پیشرفت پیدا کند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است تا یک بررسی جامع ناظر به ساختار نظام آموزشی امامیه صورت بگیرد و بررسی گردد که چگونه بر تعالی خود که بخشی از تمدن اسلامی است و بر بعد نرم‌افزار و سخت‌افزار جامعه تأثیر می‌گذارد؟ بیشتر محققان عرصه تمدن بر این باورند که بستر و زیربنای شکل‌گیری و تعالی تمدن اسلامی در نهاد آموزش است. نهاد آموزش می‌تواند ظرفیت‌ساز مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و زمینه‌های ترقی و تعالی ابعاد دیگر

دانشی و بینشی باشد.^۱

برای رسیدن به اهداف پژوهش، تحقیق مناسبی تا کنون با محوریت نقش آموزش در تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی صورت نگرفته است و تنها اثر موجود مقاله‌ای با عنوان نقش آموزشی مساجد در تمدن اسلامی نگاشته محمدحسین ریاحی است که در آن تنها به نقش آموزشی مکان تعلیم و تربیت اکتفا شده است؛ همچنین کتابی با عنوان *دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام* نگاشته محمد کریمی زنجانی، تلاش کرده تا به تاریخ تحولات دارالعلم و نقش این مکان آموزشی در تعالی تمدن اسلامی پردازد؛ امام این دو اثر نیز قادر به پاسخ‌گویی تمام ابعاد تأثیرگذاری نیستند. اکنون برای بررسی ابعاد موضوع، براساس روش مطرح در تحقیقات نظام آموزشی که متشکل از ساختاری همچون مؤلفه‌ها، عناصر، اصول نظام آموزشی و بررسی دست‌آوردهای مادی و معنوی آن است، لازم آمد تا ظرفیت این نظام، در فرهنگ و تمدن اسلامی به‌عنوان یک کل و زیربنای تحولات، با تکیه بر منابع و به‌صورت توصیفی - تحلیلی در نظر گرفته و تحلیلی ارائه گردد که چگونه این ساختار با روش اجرایی آن توانسته است به اهداف خود از جمله پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی در پنج قرن نخست هجری برسد؟

۱. مؤلفه‌ها و عناصر ظرفیت‌ساز

برای بررسی ظرفیت نظام آموزشی امامیه در تعالی تمدن اسلامی، بازتعریف دقیق و علمی نظام آموزشی ضرورت دارد. قابل ذکر است که همه نظام‌ها بر محور هدفی استوار بوده و برای حفظ بقای خود پاسخ‌گوی نیازهای محیطی می‌باشند که در آن به وجود آمده‌اند. (طُرقی و اسماعیلی، ص ۵۱) براین اساس، نظام آموزشی یا تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای طراحی و پیاده گردد که بتواند نیازهای تربیتی، رشد و تکامل انسان را پاسخ گفته و مهیا کننده زمینه‌ای برای به فعلیت رسیدن و شکوفایی تمام استعدادهای انسان باشد. در چنین صورتی، نظام تعلیم و تربیت اسلامی خواهد توانست ضمن تضمین بقای خود، نظامی پویا و مستحکم بوده و اهداف بلند خود را تحقق بخشد؛ زیرا نظام آموزشی علاوه بر آن که از نظر کیفی مایه افزایش کیفیت زندگی، بهبود شرایط زیستی و معنوی افراد جامعه است؛ (گروه مشاوران یونسکو، ص ۳۸) مایه توجه به بعد فطرت الهی انسان نیز هست.

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمدجواد یآوری سرتختی، رساله دکتری: بررسی وضعیت تاریخی نظام آموزشی امامیه در پنج قرن نخست هجری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۶ش.

۱. تعریف نظام آموزشی

اگرچه تزکیه یا تربیت، به‌طور غالب ناظر به تحولات اخلاقی است که در کنار تعلیم به‌کار می‌رود و نشانگر دو فعالیت نسبتاً متفاوت است که در یکی، آگاهی‌ها انتقال می‌یابد و در دیگری، تحولات واقعی اخلاقی مورد نظر است؛ (خسرو باقری، ج ۱، ص ۱۱۷) اما امروزه، ترکیب «تعلیم و تربیت» بسیار رواج یافته است. واژه تعلیم اعم از بوده و هر جا تربیت هست، الزاماً تعلیم نیز هست. بنابراین، وجه مشترک هر دو انتقال آگاهی است که در هر دو بینش‌ها و گرایش‌ها به فراگیران منتقل می‌گردد. (مصباح یزدی، ص ۲۸؛ کیلانی، ص ۱)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، مقصود از «نظام تعلیم و تربیت» یا نظام آموزشی، مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، مفاهیم و عناصر منسجم، سازمان‌یافته و هدفمند دربارهٔ تعلیم و تربیت است، که از روابط متقابل و نوعی همبستگی درونی برخوردار بوده و بیانگر چگونگی فرایند آموزش است. (حجتی، ص ۳۴۵؛ ص ۱۷-۱۶) نیز می‌توان گفت، نظام تعلیم و تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادها و شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری وی به سوی هدف مطلوب براساس برنامه‌های سنجیده شده است. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۳۶۶) بنابراین، در بررسی تعاریف نظام آموزشی این نتیجه قابل حصول است که نظام آموزشی متشکل از عناصر، زمینه‌ها یا مؤلفه‌ها و ویژگی‌های همچون انسجام، فعالیت آگاهانه و هدفمندی است که فرآیند آموزش را تحقق می‌بخشند.

۲. مؤلفه‌ها و عناصر نظام آموزشی

براساس تعریف نظام آموزشی، یک نظام آموزشی دارای مؤلفه‌ها و عناصری هستند که تحقق بخش آن هستند. این دو اصطلاح در دانش تعلیم و تربیت کاربرد داشته و ناظر به مباحث بنیادی و ساختار آموزشی بوده که فرآیند آموزش مبتنی بر وجود آن‌ها تحقق می‌یابد. مراد از مؤلفه‌ها در نظام آموزشی، نشانه‌هایی هستند که بدون داشتن آن‌ها نمی‌توان هویت آن نظام را شناخته، تجزیه و تحلیل کرد. به‌عبارت دیگر، مؤلفه‌ها، اموری هستند که تألیف‌کننده یا تشکیل دهنده هویت نظام آموزشی هستند. مبانی، منابع تولید علم، جایگاه، اهداف، اصول و ارزش‌ها، ساحت‌ها، مراحل، عوامل و موانع از مؤلفه‌هایی هستند (مصباح یزدی، ص ۶۵، ۲۱۱) که ترسیم و تبیین دقیق آن‌ها به ما کمک می‌کند تا بتوانیم شکل‌گیری، تداوم، هویت، تمایز و استقلال یک نظام آموزشی و تأثیرات آن بر تحول جامعه را

بشناسیم.

اصطلاح عناصر نظام آموزشی نیز، از واژگان رایج در علم تعلیم و تربیت است که نزد متخصصان این علم کاربرد داشته و مراد از آن کارایی و مکانیزم به کارگیری یا اموری هستند که در فرآیند تحقق آموزش دخالت دارند. (همت بناری، ص ۷۳) این عناصر متشکل از نیروی انسانی یا غیرانسانی هستند. بنابراین، اگر عملیات آموزش را انتقال دانش به فرد فراگیر معنا کنیم، بی شک این فرآیند دارای عناصری است که نقش مهمی را در اجرای آموزش ایفا می کنند. (مبیدی، ص ۲۲؛ صفری فروشانی، ۱۳۸۱ش؛ عبداللهی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۴-۸۲) همچنین اگر هر یک از این عناصر حتی به طور نسبی شناسایی و به کار گرفته شود، می تواند مسیر رشد و موفقیت علمی و آموزشی را فراهم سازد. بی تردید، معلم (مربی)، دانش آموز، مواد یا محتوا، مراکز (نهادهای) آموزشی، شیوه ها و ابزار آموزشی، همراهی تعلیم و تربیت و منابع مالی از عناصر نظام آموزشی و در فرآیند آموزش، نشان دهنده گستره فعالیت ها، نوآوری ها و تمایز و استقلال آن هستند.

۳- مبانی و اهداف نظام آموزشی

۳-۱- مبانی

از جمله مؤلفه ها یا پیشران های مؤثر بر شکل گیری یک نظام آموزشی و حتی اعتلای تمدن اسلامی یا به عبارت دیگر، تأثیرگذار بر تولید و پاسخ گویی به نیازهای بشر، مبانی و اهداف نظام آموزشی است. مبانی تعلیم و تربیت اسلامی از جایگاه آدمی در نظام هستی، محدودیت ها، ظرفیت ها، سیر حرکت و نیز از ضرورت هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آن ها قرار دارد، بحث می کند. در تعلیم و تربیت، مبانی به سه دسته علمی، فلسفی و دینی تقسیم می گردد که در این موضوع تنها مبانی دینی مطرح می گردد. مبانی دینی، گزاره های بنیادی آموزشی هستند که از منابع و متون دینی برگرفته شده است. مبانی دینی، زیرساخت اعتقادی و نوع شناخت هر مکتبی از مبدأ هستی، جهان، انسان، هدایت و رهبری است. اهداف و خط مشی ها نیز باید براساس آن مبانی بنیان نهاده شود. (اعرافی، ج ۱، ص ۳۲؛ رهبر، ص ۴) مبانی آموزش در اسلام، ناظر به مبدأ حرکت آموزشی و تربیتی و ویژگی های او هستند. هر مکتبی برپایه مبانی و منابع خاص خود به ترویج و آموزش باورها، قوانین و احکام می پردازد. این مبانی و منابع ثابت و فرازمانی و تأثیر مستقیمی در اندیشه و رفتار انسان ها دارند. مکتبی که مبانی و منابع آن الهی باشد، با مکتبی که انسان را مادی می بیند، این دو، به طور کلی متضاد

بوده و هرکدام آثار خاصی را در امر آموزش و هدایت علمی و تمدنی بشر خواهند داشت. بنابراین، می‌توان گفت، بین مبانی و اهداف نظام آموزشی در اسلام ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. (رهنمایی، ص ۲۸)

۳-۲- اهداف

بیان گردید که نظام آموزشی اسلام همانند هر نظامی دارای مبانی و اهدافی است. بنابراین، در گام بعدی، باید روشن ساخت که براساس این مبانی، چگونه می‌توان به آن اهداف رسید؛ (مصباح یزدی، ص ۶۷) زیرا هدف، جهت کار و نقطه شروع فعالیت‌های آموزشی را نشان می‌دهد. (شریعتمداری، ص ۱۶۳، ۱۱)

براساس روایات، (فضل طوسی، ص ۴۵۱) می‌توان از آموزش سه هدف دینی، علمی و دنیوی را دنبال کرد؛ زیرا فراگیری علم می‌تواند زمینه‌ساز کسب ثروت و مایه زینت انسان باشد (عبدالله بن عبدالبر، ص ۸۱) و آنچه از منظر اسلام ارزشمندتر است، تنها فراگیری علم و کسب ثروت نیست، بلکه رسیدن به مرحله تهذیب نفس، تقرب به خدا، شناخت معارف دین، تولید علم و فکر، انتقال دانش و مهارت‌ها از نسلی به نسل دیگر، انتقال ارزش‌های فرهنگی، پرورش انسان در جهت توسعه همه جانبه شخصیت و توسعه توانایی‌های طبیعی انسان بخشی از اهداف نظام آموزشی است. گاهی این اهداف ناظر به قابلیت‌های وجودی انسان یعنی پرورش انسان صالح و کامل است و گاهی ناظر به ساحت‌های وجودی انسان یعنی بینشی، گرایشی و رفتاری است. می‌توان گفت، این اهداف تعیین کننده کیفیت، کمیت، اولویت منابع، متون، نیازها و ساحت‌های آموزشی هستند.

تأکید آیات و روایت بر هدف‌گذاری در آموزش، به فراگیران جهت می‌دهد که باید غایت آنان از تحصیل، رضا و قرب‌الهی باشد. از این رو، شیعیان معتقد بودند، تنها با پیروزی از قرآن و دستورات ائمه اطهار(ع) این امر تحقق می‌یابد. آنان در زندگی خویش تلاش می‌کردند تا آن دستورات را به کار گیرند؛ زیرا عمل نکردن به دستورات معصومان، خروج از ولایت الهی و دخول در گروه ستمکاران است. (علی بن بابویه، ص ۷۴) این تأثیرات در نظام آموزشی شیعه آن‌چنان بود که کلینی کتاب *الکافی* را با همین هدف تألیف کرد. وی می‌نویسد: «این کتاب برای طالب دین مرجع می‌باشد. کسی که عمل به اخبار صحیح امامان صادق(ع) و سنت‌های ثابت را می‌خواهد از این کتاب بهره بگیرد و واجبات خدا و سنت پیامبر(ص) به کمک آن ادا شود.» (یعقوب کلینی، ص ۹-۱)

همچنین یکی از اهداف نظام آموزشی ایجاد انگیزه و رشد خردورزی است. هر مقدار انگیزه عالی تر باشد، حرکت و فرآیند آموزش و پژوهش، نظام مندتر و موفق تر است؛ زیرا انگیزه و عشق، عامل مهمی در ایجاد و بروز خلاقیت است. با کمک آن، انسان دنبال نیازهای خود رفته و ضمن شناسایی مشکلات پیش روی، برای عبور از آن‌ها و رسیدن به اهداف عالی تلاش چشم‌گیری دارد. تأکید فزاینده بر عقل نیز به‌عنوان یک مرجع در کشف مطلوب، (نعمان مفید، ص ۱۴۹) موجب پیدایش تحولاتی خصوصاً در میان متکلمان و عقل‌گرایان گردید. (شمساوری، ص ۲۶۴) بنابراین، یکی از آثار و برکات بالا بردن بینش و رشد خردورزی، تولید فکر و تدوین روش‌های متقن تبیین مبانی و اندیشه از سوی عالمان شیعه بود. هشام‌بن حکم، شیخ مفید، شیخ طوسی، سیدمرتضی، خاندان نوبختی و دیگران از جمله عالمانی هستند که توانستند با بهره‌گیری از ابزار عقل افزون‌بر تولید آثار علمی و تبیین جایگاه و غنای منابع شیعی از جمله عقل، به بقا و گسترش منابع آموزشی و تشیع در مناطق مختلف کمک کنند.

۴- منابع تولید علم

باتوجه به وجود و اهمیت نقش مبانی و اهداف نظام آموزشی در تولید علم، اکنون باید دید که چه مؤلفه‌های دیگری به‌عنوان ظرفیت‌ساز تعالی تمدن اسلامی در نظام آموزشی امامیه وجود دارد؟ در بررسی از ساختار نظام آموزشی می‌توان گفت، منابع تولید علم به این معنا که محتوای آموزش و علوم برآمده از آن منابع، می‌تواند از دیگر مؤلفه‌های ظرفیت‌ساز هستند؛ زیرا در هر نظام آموزشی لزوم داشتن منابعی استوار و غنی، امری ضروری است. منابعی که فرهنگ‌ساز بوده، قابلیت تولید علم را داشته و بتواند در هر زمانی پاسخ‌گوی نیاز بشر و مرجع نهایی صدق و کذب قضایا باشد. به‌عبارت دیگر، هر نظام آموزشی علاوه بر تهیه متن و مواد، ابزار کشف معرفت و دانش را نیز برای آموزش به مخاطبان خود طراحی کرده است. امامیه نیز از این قاعده مستثنا نبوده و قرآن، سنت نبوی(ص) و ائمه اطهار(ع) را در کنار عقل و تجربه به‌عنوان منابع و مصادر فرهنگ و شریعت تمدن ساز در نظر گرفته است.

قرآن کریم، علم الهی معصومان(ع) و عقل زمینه‌ای بود تا شیعیان با تکیه بر آن به نیازهای فردی و اجتماعی و سؤالات و شبهات موجود در جامعه پاسخ داده و خود را از دیگران متمایز کنند. قرآن،

توان پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی بشر را داشته و جهان شمول است.^۱ به گفته زرین‌کوب: «بی‌شک علت عمده حصول معجزه- یا تمدن- اسلامی در بین مسلمانان، ذوق معرفت‌جویی و حس کنجکاوی، به تشویق و توصیه قرآن و رسول خدا(ع) بود.» (زرین‌کوب، ص ۳۵) بنابراین، براساس جامعیت و جاودانگی قرآن در پاسخ‌گویی به نیازهای بشر، ائمه اطهار(ع) و دانشمندان شیعه(طوسی، ج ۲، ص ۵۵۲)^۲ در تبیین آموزه‌ها و پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات مردم به آیات الهی استناد یا علوم لازم را استخراج می‌کردند.

علم امام منبعی است که قدرت تولید و توسعه علوم را دارد. علوم حدیث، کلام، تفسیر، ادبیات عرب و فقه برآمده از علم امامت هستند. به‌عنوان نمونه خمران بن اعین و قیس بن ماصر از جمله کسانی بودند که دانش کلام را از امام سجاد(ع) آموخته بودند. (ابو غالب ژراری، ص ۱۳) شیعیان بعد از کسب علم از محضر ائمه اطهار(ع) به ترویج آن از طریق فعالیت‌های مختلف می‌پرداختند و نتیجه روی‌آوری شیعیان به علم امام، تقویت بنیه علمی و تربیت شاگردان برجسته و متخصص در حوزه‌های مختلف دین بود.^۳ از دیگر آثار علم امامان شیعه(ع)، بنابر گزارش ابن حجر هیتمی(م ۹۷۴ق) آن بود که: «مردم به‌اندازه‌ای علم از امام صادق(ع) نقل کردند که به‌سبب آن، کاروان‌ها راه افتادند و شهرتش در تمام سرزمین‌ها پیچیده و عالمان بزرگی همانند یحیی بن سعید، ابن جریح، مالک بن انس، سفیان ثوری، سفیان بن عیینة، ابوحنیفه، ابن شعبه و ایوب سختیانی از او نقل حدیث کرده‌اند.» (حجر هیتمی، ص ۲۰۱)

۵- اصول آموزشی

اصول آموزشی، راهنمای عمل مربی است؛ مربی در محدوده اصول کلی، تدابیر آموزشی را می‌اندیشد و به‌کار می‌بندد. اصول با مبانی در ارتباط است و با تکیه بر مبانی و واقعیت‌های مربوط به تربی در نظر گرفته می‌شود. (همت‌بناری، ص ۷۲) پژوهش‌گران و متخصصان عرصه تعلیم و تربیت، اصول متعددی را برای نظام تعلیم و تربیت یا تربیت اسلامی ترسیم می‌کنند. در این اصول، مشترکات

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ». سبأ: ۲۸.

۲. «چنان‌که هشام بن حکم با اشاره به آیه ۷۱ از سوره زخرف به شرح و تفسیر این آیه در ردّ عقیده نظام معتزلی پرداخت.»

۳. محمدبن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۵۴۴.

و مفترقاتی وجود دارد و به مباحث و محورهایی همانند: ارزیابی، نیازسنجی، ایجاد انگیزه و تفقه، توجه به کرامت انسان، زنده‌نگاه‌داشتن یاد خدا، تدریجی و فرآیندی بودن آموزش، همگانی بودن آموزش، اولویت‌ها، برنامه‌ریزی، تقویت روحیه همگرایی و مسئولیت‌پذیری، توجه کرده‌اند؛ (شاملی، شماره ۹۲؛ مصباح یزدی، ص ۲۹۹؛ حسینی‌زاده، ص ۷۳-۳۳) اما به نظر می‌رسد، همه این امور از اصول نبوده و برخی از آن‌ها ویژگی‌ها یا اهداف آموزشی هستند. در کنار برخی از امور یاد شده، همگانی بودن، (کراجکی، ج ۲، حسن طوسی، ص ۵۱؛ نعمان مفید، ص ۴۰؛ همو، ج ۲، ص ۶) همراهی تعلیم و تربیت، (بابویه قمی، ج ۱، ص ۲۸۴) تداوم و تدریجی بودن (یعقوب کلینی، ج ۶، ص ۴۷؛ حرّانی، ص ۱۰۴) و تکیه بر نصوص اهل‌بیت(ع) (نعمان مفید، ص ۷۱، ۵۳؛ علی نجاشی، ص ۲۸۳؛ حسن طوسی، ج ۱، ص ۴۱۵) از مهم‌ترین اصول آموزشی امامیه در پنج قرن نخست هجری هستند که تأثیر همزمانی بر تعالی نظام آموزشی و تمدن اسلامی دارند. از آثار این اصول، با درگیر کردن تمامی افراد جامعه و استمرار آموزش، ضمانت اجرایی محتوا فراهم می‌گردد.

۶- عوامل و پیشران‌های اثرگذار

از جمله ظرفیت‌های نظام آموزشی در منطق و رفتار امامیه، برخورداری از پیشران‌ها یا عوامل یا مؤلفه‌های مؤثر بر اعتلای تمدن اسلامی است. این پیشران‌ها یا مؤلفه‌ها می‌تواند به‌عنوان عامل اصلی یا فرعی یا ایجابی یا سلبی بر تولید محتوا و علم اثرگذار باشند. پیشران‌ها، عناصری هستند که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام کارها را مشخص می‌کنند. بدون وجود نیروهای پیشران، هیچ راهی برای شروع تفکر از طریق سناریوها وجود ندارد. بنابراین، شناخت عوامل و پیشران‌ها، ما را در تجزیه و تحلیل یک دوره تاریخی و فهم نشانه‌های مستقیم و غیر مستقیم، اصلی و فرعی یا ایجابی و سلبی تأثیرگذار بر شکل‌گیری گونه‌های مختلف فعالیت‌های آموزشی کمک می‌کند.

به نظر می‌رسد با توجه به رصد مفاهیم و داده‌های تاریخی و حدیثی، پیدایی مذهب تشیع با تکیه بر مبانی خاص از جمله امامت الهی و وجوب اطلاعات از آنان، همچنین علم و عصمت امام، آموزشی بودن تعالیم مذهب، ضرورت فراگیری تعالیم شیعی برای رسیدن به سعادت و دفاع از باورها از پیشران‌های اصلی و پراکندگی جمعیت، وضعیت سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه شیعه، برخورداری از منابع مالی، نقش دانشمندان شیعه و حمایت دولت‌های شیعه از شیعیان، از عوامل فرعی رشد کمی

و کیفی نظام آموزشی و تأثیرگذار بر استقلال و حفظ هویت این نظام هستند. با تأکید بر دانش‌اندوزی، مردم احادیث فراوانی را نقل کردند و آوازه علوم آنان در اطراف و اکناف سرزمین اسلام پیچید و بسیاری مشتاق شنیدن علوم آنان گشته و به نقل آن‌ها می‌پرداختند. نعمان مفید، ج ۲، ص ۲۸۸ تا جایی که اهتمام حسن بن محبوب بر تربیت فرزندش به‌حدی بود که جهت ترغیب او در یادگرفتن حدیث، در مقابل هر حدیثی که از علی بن رثاب بشنود و بنویسد، یک درهم به او بدهد. (حسن طوسی، ج ۲، ص ۸۵۱)

آموزشی بودن محتوای دین و ضرورت شناخت آن، دفاع از دین و گسترش مذهب، اهل‌بیت (ع) را بر آن داشت تا در آن شرایط سخت سیاسی و اجتماعی به تربیت شاگردان برجسته‌ای پردازند که از طریق آنان به آموزش و تربیت مردم همت گمارند. آنان شاگردان خود را به سمت اجتهاد و بهره‌وری از عقل به عنوان یک ابزار می‌کشاندند تا در مناطق مختلف جهان اسلام و در عدم دسترسی مردم به پیشوایان دین، به تعلیم و تربیت دینی و سیاسی مردم پردازند. به همین دلیل فقیهانی همانند جمیل بن ذرّاج، زاره، محمدبن مسلم ثقفی و دیگر شاگردان امام صادق (ع)، حلقه درس و تألیفات حدیثی داشتند. (حسن طوسی، ج ۱، ص ۳۴۶) ابوخلد کابلی در عصر صادقین (ع) به کوفه منتقل گردید و در آن‌جا کرسی درس داشت. وی در محضر اصْبَغِ بْنِ نُبَاتَه و یحیی بن اُمّ طویل کسب علم کرده بود و شاگردانی چون سُدیر صیرفی، هشام بن سالم و جمیل بن صالح را تربیت کرد. (یعقوب کلینی، ج ۶، ص ۲۸۰؛ حسن طوسی، ص ۶۲۵) همچنین ابن جُئید در مناظره با حنفیان خراسان از باورهای شیعی دفاع کرد (نعمان مفید، ص ۵۶) و آن‌چه سیدمرتضی در خدمت تقویت اسلام و گسترش شریعت، در جواب منکران توحید و رسالت، همچون فلاسفه یونان، زنادقه و براهمه کرده، کسی را قوت نبوده است. (قزوینی رازی، ص ۴۰)

بی‌تردید، همت و کوشش مضاعف دانشمندان، عامل رونق تمدن اسلامی است. در طول تاریخ، هیچ تمدنی بدون حرکت نخبگان و اهل علم، رشد نکرده است؛ زیرا بخش عمده تلاش آنان در ساحت تولید علم بوده است. آنان به‌عنوان بنیان‌گذاران و پاسداران تمدن اسلامی با درک شرایط علمی و فرهنگی به جهاد علمی پرداخته و با توسعه کمی و کیفی، به تولید علم و محتوای آموزشی، کمک شایانی کرده‌اند. این نقش زمانی دو چندان می‌گردد که آنان افزون بر ایده‌پردازی و نیازسنجی، موانع اعتلا و ارتقای علوم انسانی را بررسی و برطرف کنند. چنان‌که امام صادق (ع) از بُرید بن معاویه عجلّی، ابوبصیر لیث بن بختری، محمدبن مسلم و زّاره با عنوان نجبا و امینان خدا بر حلال و حرام یاد کرده

و می‌فرماید: «اگر اینان نبودند آثار و معالم نبوت به فراموشی سپرده می‌شد یا از بین می‌رفت.» (حسن طوسی، ج ۱، ص ۳۹۸، ۳۴۵) و بنا بر گفته ترمذی: «اگر جابر بن یزید جعفی نبود، کوفه - که یک مرکز عمده حدیث در قرن دوم هجری بود - از حدیث تهی می‌گردید.» (سوره ترمذی، ج ۱، ص ۱۲۳) مدیریت علمی و آموزشی، بخشی از وظایف مدیران در نظام آموزشی امامیه است. مدیریت و مرجعیت آنان عامل مهمی در بالابردن سطح کمی و کیفی و کنترل این نظام بود. بنا بر گزارش ابن خلکان (م ۶۸۱ق)، سیدمرتضی در عصر خود از چنان جایگاه رفیع علمی برخوردار بود که امام و پیشوای دانشمندان عراق اعم از سنی و شیعه شده بود و علمای عراق برای حل مشکلات علمی خود به او پناه می‌بردند و ریاست علمی عراق به او ختم می‌گردید. (محمد بن خلکان، ج ۳، ص ۳۱۴؛ أحمد ذهبی، ج ۳، ص ۱۱۴) عامل و پیشران دیگر مؤثر بر اعتلای تمدن اسلامی، حمایت حکومت‌های شیعی از نظام آموزشی امامیه بود. با برقراری آزادی نسبی در عصر آل بویه، این فرصت برای شیعیان فراهم گردید تا جایگاه علمی و اجتماعی خود را به دست آورده و مراکز علمی و آموزشی خود را در شهرهای مختلف تأسیس و رونق دهند. شکل‌گیری مراکز علمی جدیدی همچون کتابخانه و دارالعلم از سوی شیعیان و حاکمان شیعه، یکی از پیامدهای آن است. سید مرتضی اولین کسی است که منزل خود را دارالعلم قرار داد و در مجلس درس او علمای بزرگی از مذاهب مختلف شرکت، و به مناظره و مباحثه می‌پرداختند. (حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۲۲۳) عضدالدوله دیلمی در احترام و حمایت از دانشمندان شیعه از جمله شیخ مفید، کوشا بود (حجر عسقلانی، ج ۵، ص ۳۶۸) و با حمایت وی وضع علمی جامعه بهبود یافت. (مسکویه رازی، ج ۶، ص ۴۵۷) همچنین وزراء و صاحب منصبان آل بویه همانند ابوالفضل بن عمید در شهر ری، (مسکویه رازی، ج ۲، ص ۲۲۴) صاحب بن عباد و شاپورین اردشیر در بغداد، (جوزی، ج ۱۴، ص ۳۶۶) با ساختن کتابخانه کمک شایانی به رشد علم و نشاط نظام آموزشی کردند. دولت‌های کوچک شیعی نیز همانند بنی‌عمار در طرابلس با تأسیس دارالعلم و حمایت از عالمان شیعه، زمینه رشد و گسترش تشیع و آموزه‌های دینی، علمی و تمدنی را در این سرزمین فراهم کردند. (عثمان، ص ۲۵ - ۲۰)

ب. ویژگی‌های ظرفیت‌ساز

افزون بر عناصر، ویژگی‌های نظام آموزشی نیز ظرفیت‌ساز تعالی نظام آموزشی و از طریق آن عمدتاً تعالی علوم در تمدن اسلامی هستند. مدیریت، هدفمندی، رصد نیازهای جامعه اسلامی،

نیازسنجی، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی و برخورداری از نظام آموزشی پژوهش‌محور از ویژگی‌ها یا شاخصه‌های نظام آموزشی است که می‌تواند فرآیند آموزش را به تولید علم و محتوا تبدیل کند.

۱- مدیریت

مدیر نظام آموزشی می‌تواند با تکیه بر وظایف مدیریتی، توانایی انتقال و تولید علم، حراست از منابع و محتوا، خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد و ترویج کند یا رفتار و عملکرد او می‌تواند مانع این امر حیاتی شود. هنر مدیر خلاق آن است که با وجود محدودیت نیروی انسانی و مالی، منافع و موانع موجود، نظامی را طراحی و مدیریت کند که بتواند فرآیند آموزش از انتقال و تولید علم را فراهم کرده و یک نهضت علمی را برای عبور از بحران‌ها و حفظ هویت ایجاد کند. (عبداللهی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۴-۸۲) به عبارت دیگر، رهبری یک فرآیند دو جانبه، تبدیلی و تحول ساز است که طی آن، ضمن تاثیرگذاری بر تابعان، به آنان انگیزه می‌دهد تا در مسیر تحقق اهداف فردی و گروهی گام بردارند.

امامیه با تکیه بر ادله عقلی و نقلی براین باورند که مدیریت نظام آموزشی بعد از رسول خدا(ع) برعهده امام معصوم و کسی است که افزون‌بر توان مدیریتی و صالح بودن، آگاهی(علم) بیشتری به دین و سازوکار انتقال آن به فراگیران داشته باشد. (موسوی(سیدرضی)، خطبه: ۱۷۳، ص ۲۴۸) امام، نه تنها رئیس اداری، قضایی و نظامی امت است، بلکه معلم و مربی مردم در امور تربیتی نیز هست. (نعمان مفید، ص ۶۵؛ همو، ص ۵۳) ازاین‌رو، امیرمؤمنان علی(ع) درخصوص شرح وظایف حاکم اسلامی، آموزش و پرورش مردم را اصلی‌ترین حقوق مردم بر امام و حاکم اسلامی می‌داند و دراین‌باره می‌فرماید: «مردم، من را بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن، نیکوخواهی و تعلیم دادن شما است تا جاهل نمانید؛ تأدیب شما است تا بیاموزید و بر طبق آن رفتار کنید.» (موسوی(سیدرضی)، خطبه: ۳۴، ص ۹۹) «امام و حاکم اسلامی مؤظف است تا معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد.» (تمیمی آمدی، ج ۲، ص ۲۹)

در عصرحضور، شیعیان هنگام عدم دسترسی به امام معصوم به نمایندگان و فقهای مورد تأیید آنان، مراجعه می‌کردند. در عصرغیبت نیز فقهای شیعه به دلیل نیابت عام از ائمه اطهار(ع)، امام حسن عسکری، ص ۳۰۰) وظیفه هدایت دینی مردم را برعهده دارند. به‌عنوان نمونه شیخ مفید(م ۱۳ق) تعلیم

و تربیت دینی مردم را در عصر غیبت، وظیفه فقیه عادل، عاقل، کاردان و اهل فضل و دانش می‌دانند. نعمان مفید، ص ۸۱۰، ۶۵۷) برپایه این اندیشه، دانشمندان به‌عنوان مرجع علمی و آموزشی و محل رجوع شیعیان بودند. آنان افزون بر تدریس و تربیت شاگردان، نگارش رساله یا مسائل نگاری، حراست از آموزه‌ها، به نیازهای علمی و آموزشی جامعه شیعه پاسخ می‌دادند. لذا از احمدبن محمدبن عیسی اشعری، شیخ صدوق، ابوسهل نوبختی، شیخ مفید، شیخ طوسی و سیدمرتضی به‌عنوان مرجع و زعیم شیعیان، رئیس مدارس و عالمان شیعه یاد شده است. (حسن طوسی، ص ۳۱۴؛ ثعالبی، ج ۵، ص ۶۹) نجاشی (م ۴۵۰ق) درباره شیخ صدوق می‌نویسد: «ابوجعفر، شیخ، فقیه و بزرگ طائفه شیعه در خراسان، هنگامی که جوان بود، وارد بغداد شد و شیوخ شیعه از او حدیث شنیدند.» (نجاشی، ص ۳۸۹) بنابر گزارش ابن خلکان (م ۶۸۱ق)، سیدمرتضی نیز در عصر خود از چنان جایگاه رفیع علمی برخوردار بود که امام و پیشوای دانشمندان عراق اعم از سنی و شیعه شده بود و علمای عراق برای حل مشکلات علمی خود به او پناه می‌بردند و ریاست علمی عراق به او ختم می‌گردید. (خلکان، ج ۳، ص ۳۱۴؛ أحمد ذهبی، ج ۳، ص ۱۱۴)

۲- هدفمندی

هدفمندی، محور مهمی در اثبات یک نظام آموزشی موفق و کارآمدی آن است. همه نظام‌های آموزشی دارای اهداف بوده و برای بقای خود، پاسخ‌گوی نیازهای محیطی می‌باشند. (طرقی و اسماعیلی، ص ۵۱) گروهی غایت از آموزش را سعادت‌مندی مادی و معنوی انسان می‌دانند و نظام‌های مبتنی بر مبانی ماده‌گرایی، اجتماعی شدن را هدف نهایی خود می‌دانند؛ اما باید دانست که این درخواست، کامل نیست؛ زیرا در این نظام‌ها، جنبه تربیت دینی فراموش می‌گردد. (گلشن فومنی، ص ۵۵-۵۴) بنابراین، انتقال فرهنگ یا ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها با برگزاری آموزش هدفمند و در کلیه سطوح به وسیله نهاد تعلیم و تربیت، موجبات همگونی و انسجام اجتماعی افراد را فراهم می‌کند (گلشن فومنی، ص ۶۷) و باید نظام آموزشی به گونه‌ای طراحی و اجرا گردد که بتواند نیازهای تربیتی و تکامل یا مادی و معنوی انسان را پاسخ گفته و مهیا کننده زمینه‌ای برای به فعلیت رسیدن و شکوفایی تمام استعدادهای وی باشد. در چنین صورتی، نظام تعلیم و تربیت خواهد توانست ضمن تضمین بقای خود، نظامی پویا و مستحکم بوده و اهداف بلند خود را تحقق بخشد؛ (گروه مشاوران یونسکو، ص ۳۸)

۳- نیازسنجی و برنامه‌ریزی

آموزش و پرورش نقش اساسی در تحول جوامع دارد؛ از این رو، نیازهای آموزشی شیعیان تأثیر زیادی بر اولویت‌های آموزشی داشت و جامعه شیعه را از رکود و انفعال خارج کرد. بنابراین، اولین اولویت آنان رصد نیازها و مشکلات یا نیازسنجی و تعیین محور و مواد آموزشی شیعیان بود تا خود را مجهز به سلاح علم کرده و بتوانند از مذهب تشیع دفاع یا آن را تبیین کنند. به‌عنوان نمونه هشام‌بن حکم، ژراره و عبدالرحمن بن حجاج آگاهی زیادی درباره آراء و روش‌های استدلال فقهی اهل سنت عراق و دیگر مناطق داشتند. امام صادق(ع) گاهی درباره دیدگاه‌های فقهی مردم عراق از آنان پرسش می‌کرد و از آنان از جمله عبدالرحمن بن حجاج کمک می‌خواست. (یعقوب کلینی، ج ۶، ص ۴۱۰، ح ۱۱، ج ۷، ص ۲۸۰، ح ۱، ص ۲۷-۲۶، ح ۱) همچنین هشام‌بن حکم می‌گوید: «من در منا از امام صادق(ع) پانصد سؤال درباره علم کلام پرسیدم و گفتم که آنان(عامه) چنین می‌گویند و امام در مورد هر مسأله می‌فرمودند: تو هم این‌گونه پاسخ بده.» (حسن صفار، ج ۱، ص ۱۲۳) نیز امام کاظم(ع) فرمودند: «به هشام‌بن حکم بگویند چیزی درباره باورهای قدریه- و نقد آن- بنویسد و برای من بفرستد. هشام آن را نوشت و خدمت امام عرضه کرد و امام فرمودند: همه چیز در آن آمده است.» (حسن طوسی، ج ۲، ص ۵۴۳) گام بعد از نیازسنجی، برنامه‌ریزی تحصیلی است تا از طریق آن بتوان ضمن انتقال آموزه‌ها، مقدمات تعالی علوم را برای رهیافت به نتایج عینی و تولید علوم، پیمود. می‌توان گفت، نیازهای آموزشی شیعیان تأثیر زیادی بر اولویت‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی آنان داشت و جامعه را از رکود و انفعال خارج کرد. اولین اولویت آنان تبیین مرجعیت علمی اهل بیت(ع) و تولید متن آموزشی بود؛ زیرا نبود مرجعیت علمی و متون متناسب، منسجم و مستحکم می‌تواند به حذف تدریجی معرفت و باورهای دینی از جامعه بینجامد. از این رو، پرورش نیروهای دین‌شناس، تهیه متون آموزشی و اقدام برای عملیاتی کردن داده‌های آموزشی در دستور کار امامیه قرار گرفت.

شیعیان امامیه با درک مسائل مستحدثه، حضور فعال و به‌موقع، تعمیق فرهنگ دینی، حراست از شریعت، ارائه الگوی مناسب، رفع کمبودها و اصلاح نقاط ضعف، اجتهاد در فقه و علوم وابسته برای فتوا و تخصصی کردن مسائل مرتبط را در دستور کار خود قرار دادند. به‌عنوان نمونه افزون بر عالمان عصر حضور، شیخ صدوق چندین رساله فقهی برای مردم خراسان و دیگر مناطق تدوین کرد. (بابویه قمی، ص ۵) کتاب‌های *المسائل* یا *الکافی* نگاشته محمد بن یعقوب کلینی (یعقوب کلینی، ص ۹-۱) برای پاسخ به نیازهای شیعیان و کتاب‌های *الغیبه* و *کشف‌الحیره* (نجاشی، صص ۳۹۲، ۳۷۲، ۱۹۲) برای

پاسخ به بحران ناشی از غیبت امام زمان(ع) به نگارش درآمد.

همچنین با آغاز منازعات علمی در موضوعات گوناگون و رشد فرقه‌های مذهبی و کلامی، درپی نیازسنجی و برنامه‌ریزی دقیق، فعالیت‌های مختلفی از قبیل تدریس، تبلیغ، اعزام نماینده برای پیگیری مسائل دینی، تألیف کتاب در موضوعات مختلف و رساله‌های فقهی، (نجاشی، ص ۴۸) شرح نویسی و نسخه‌نویسی، (ندیم، ۲۲۵) مناظره، (نعمان مفید، ص ۵۶؛ حسن طوسی، ص ۲۶۰) ردیه‌نویسی، نقد فلسفه یونان، (حسن طوسی، ص ۱۲۱) ترجمه متن فارسی به عربی، (ندیم، صص ۳۳۳، ۳۰۵، ۲۲۵) پالایش متون دینی، (نجاشی، ص ۸۰؛ بابویه قمی، ج ۱، ص ۳) رصد آثار و دیدگاه‌های فقهی و کلامی اهل سنت (سیوطی، ص ۸۰) و رفع اختلافات حدیثی داشتند.

۴- نظارت و ارزیابی

امروزه در مراکز علمی و آموزشی، نهاد یا بخشی با عنوان نظارت و ارزیابی وجود دارد که وظیفه اصلی آن، رسیدگی به محتوا، شیوه‌های آموزشی، نیروی انسانی و مجموعه فعالیت‌های آنان برای کیفیت و کمیت بخشی، رفع یا دفع آسیب‌های موجود و تربیت نیروی متخصص است؛ زیرا در صورت عدم مراقبت از نظام آموزشی، اهداف از پیش تعیین شده حاصل نمی‌گردد.

می‌توان گفت، براساس تبیین ضرورت وجود نهاد نظارت و ارزیابی آموزشی، امامیه برای رسیدن به اهداف بلندمدت خویش از چنین اقداماتی برخوردار بوده است. در تأیید این نظریه قابل ذکر است، بعد از رحلت رسول خدا(ع)، اهل بیت(ع) وظیفه دارند تا از محتوای آموزشی، فرآیند آموزش و آموخته‌ها و رفتار فراگیران حراست کنند. کنترل، نظارت و ارزیابی در حراست از محتوا و انتقال علوم، یکی از وظایف آنان است. به عبارت دیگر، در نظام آموزشی امامیه راهبردها یا برنامه جامع و منسجمی که جهت حرکت یک مجموعه را برای نیل به اهداف آینده معین می‌کند، (رضائیان، ص ۲۳۹) وجود دارد. وجود مدیر توانمند، با مدیریت در جهت تولید محتوا، مراقبت، هدایت و ارزیابی فراگیران و محتوای آموزشی، راهبردهای اصلی نظارت و ارزیابی هستند. از منظر امامیه، طبق این راهبردها، امام عالم به شریعت و معصوم از خطا می‌تواند حافظ دین، قرآن را تفسیر و نیازهای فقهی و دینی مردم را بیان کند، تا جامعه دچار تحیر نشود. (نعمان مفید، ص ۳۲؛ همو، ص ۶۵) در غیر این صورت، اهداف نظام آموزشی تحقق نخواهد یافت.

در نظام آموزشی، راه‌کارهایی برای عملیاتی کردن راهبردها نیز وجود دارد که از طریق آن‌ها

فرآیند آموزش و اهداف آن تحقق یابد. اگرچه به دلیل عدم تشابه مراکز آموزشی گذشته با عصر حاضر، نمی‌توان عنوان نهاد را بر این فرآیند گذاشت؛ (یاوری سرتختی، ۱۳۹۵ش، شماره ۱) اما فعالیت‌های نظارتی عصر حضور، هدفمند و حتی فعال‌تر و گسترده‌تر بوده و صرفاً اختصاص به کنترل متون نداشت؛ بلکه به بیشتر فعالیت‌های آموزشی ناظر بود. چنان‌که با بررسی سیری تاریخی، این نتیجه حاصل گردید که آنان افزون‌بر تولید محتوا تحت اشراف اهل‌بیت(ع)، به کنترل و ارزیابی متون و روش‌های آموزشی و فعالیت‌های نیروی انسانی، عرضه و مقایسه حدیث و متون آموزشی، بهره‌گیری از اجازه‌نامه، قرائت متن، تبلیغ، مناظره، پالایش متون از اخبار ناصواب و منع بهره‌گیری از منابع و محتوای آموزشی دیگران پرداخته‌اند. (حسن طوسی، ج ۱، ص ۳۳۷) امام صادق(ع) درباره نقش دانشمندان شیعه در حراست از آموزه‌های شیعی فرمودند: «اگر آنان نبودند، کسی از ما و احادیث ما اطلاع پیدا نمی‌کرد. آنان حافظان دین و اشخاص محل اعتماد پدرم بر حلال و حرام خدا هستند.» (حسن طوسی، ج ۱، ص ۳۴۸)

۵- آموزش پژوهش محور

نظام آموزش پژوهش محور، مجموعه منسجمی از مؤلفه‌ها و عناصر آموزشی است که در آن آموزش در فرآیند پژوهش و تجربه علمی و با غایت پروردگی خلّاقیت و استعداد دانش پژوه صورت می‌گیرد که فرآورده آن نیروی علمی بالفعل دارای قوت نظری و مهارت و محصولات پژوهشی است. این شیوه آموزشی در دو ضلع امور آموزش و پژوهش، می‌تواند در کنارهم، حافظه‌محوری را به یادگیری و لایه‌های عمیق‌تر آن و متن‌محوری را به مسأله‌محوری تبدیل کند. همچنین موجب رشد و بالندگی تفکر، کاوش‌گری، نقادی، تضارب آراء و تقویت خردگرایی و روحیه پرسش‌گری گردد. افزون‌بر موارد فوق موجب رشد تحلیل، ترکیب و نوآوری و در نهایت به پروردگی دانش پژوهان منتهی می‌گردد. از دیگر دست‌آوردهای این روش، توجه خاص به نیازهای جامعه و مستندسازی دست‌آوردهای علمی، تولید محتوا و متونی است که ضمن کمک به تولید علم، به مسائل پیرامونی پاسخ مناسب می‌دهد.

یکی اهداف جدی نظام آموزشی به‌ویژه زمانی که پژوهش محور باشد، فراخوانی انسان و جامعه برای دستیابی به مهارت‌های خلّاق و استفاده بهینه از آن‌ها برای حل مسائل و مشکلات دشوار زندگی است. خلّاقیت در نهاد انسان نهفته است و باید با بهره‌گیری از فرآیند آموزش و آموزش

پژوهش محور، آنرا شناسایی و بیدار کرد؛ زیرا با بارور شدن خلاقیت، افراد خلاق در مواجهه با موقعیت‌های مبهم یا کشف مجهول، بصیرت خود را به کار می‌گیرند تا ضمن عبور از مشکلات و بحران‌ها، دانش را در خدمت تعالی مادی و معنوی بشریت قرار دهند. به عبارت دیگر، تربیت پژوهشگران توانمند و متعهد در حوزه علوم مختلف، زمینه‌سازی برای تولید علم و دانش، ایجاد تحول بنیادی در شیوه آموزشی، تأمین نیازهای روز جامعه و دیگر نیازهای مادی و معنوی زندگی بشر، ضرورت پژوهش را دوچندان می‌کند. از این رو، تربیت افراد خلاق از طریق رشد و توسعه قدرت، فهم و ایجاد آمادگی در فراگیران برای مواجهه مستدل، معقول و متفکرانه با چالش‌های پیش‌رو امری ضروری است.

در هر نظام آموزشی، برای فرآیند پژوهش محوری، رویکردهای مختلفی وجود دارد. رویکردهایی که در آن، مدیر، مربی و مجریان نظام، ضمن انتقال نگرش‌ها، روحیات و مهارت‌های پژوهشی، آشنا کردن فراگیران با نیازها و عینیات جامعه اسلامی، توجه به تولید پژوهش‌های بنیادی برای فرآیند آموزش، در حین اجرا و فرایند آموزش نیز از فراگیران می‌خواستند تا دست به پژوهش بزنند. برپایه مقدمات فوق و رویکردهای موجود، با بررسی سیره علمی و فرهنگی اهل بیت (ع) و فعالیت‌های شیعیان در نظام آموزشی، این نتیجه حاصل گردید که آنان برای فعال نگه داشتن و به روز رسانی این نظام، به فرآیند آموزش پژوهش محور و رویکردهای آن، توجه خاص داشته‌اند. تأکید بر مسأله-محوری، تفکر و اجتهاد، (خالد برقی، ج ۱، صص ۲۲۷-۲۲۹، ۲۲۵؛ م یعقوب کلینی، ج ۱، صص ۳۱-۳۳) توجه به نیازها و رویدادهای علمی جامعه، (یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۱۰۰، ج ۱؛ حسن طوسی، ج ۲، صص ۵۷۹، ۵۴۳) کاوش‌گری، نقادی، تضارب آراء و مباحثه علمی، (حسن طوسی، ج ۲، ص ۵۶۴) تقویت خردگرایی و روحیه پرسش‌گری، (بابویه قمی، ج ۱، ص ۲۲۵؛ یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۴۰؛ موسوی (سیدرضی)، نامه: ۶۷، صص ۷۷۵، ۴۵۸، و حکمت‌های: ۴۷۰، ۳۰۴، ۳۰۳) هدایت تحصیلی و روش‌های پژوهشی، (یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۵۷، ج ۱۳؛ ادریس حلی، ج ۳، ص ۵۷۵) مستندسازی دست‌آوردهای علمی، (حسن طوسی، ج ۲، ص ۵۶۰) تولید محتوا و متون، تعامل در آموزش، آگاهی از نظرات مخالف، مناظره، دخالت دادن تجربه‌ها، نظر علمی مبتنی بر تجربه، تلاش و کوشش و برخورداری از استاد شایسته، از جمله مؤلفه‌هایی است که شیعیان در فرآیند نظام آموزشی پژوهش-محور به کار بسته و به کمک این روش، خلاقیت را بین فراگیران ایجاد و از طریق آن پویایی و تعالی تمدن اسلامی را تحقق ببخشند. آنان با شناسایی و تربیت نخبگان، مهارت‌های لازم را به فراگیران

منتقل کرده تا بتوانند در حل مسائل و تولید علم به بالندگی جامعه کمک کنند.

د. آثار و محصولات تمدنی نظام آموزشی

مراد از محصولات نظام آموزشی، آثار، نتایج و مجموعه دست‌آوردهایی است که در فرآیند آموزش تحقق می‌یابد و قابلیت ارزیابی را دارد. یکی از راه‌های تبیین و تشخیص استقلال و هویت نظام آموزشی امامیه، بررسی محصولات یا دست‌آوردهای نظری و عملی یا فرهنگی و اجتماعی این نظام است؛ زیرا فهم کارکرد یا اقدامات آنان در نظام آموزشی، ما را در تحلیل دقیق‌تر تاریخ امامیه و نقش تمدنی آنان، یاری خواهد کرد. چنان‌که امروزه برای ارزیابی کارکرد و کارایی نظام آموزشی، محصولات آموزش و آثار مادی و معنوی آن از حیث آماری و محتوایی یا کمی و کیفی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

شیعیان امامیه از همان آغاز فعالیت‌های آموزشی، اگرچه در مسیر حرکت علمی و آموزشی با آسیب‌ها و موانعی مواجه بوده‌اند؛ اما با داشتن مبانی، منابع و مرجعیت علمی، اهداف، مواد و روش‌های آموزشی، با بهره‌گیری از عناصر آموزشی، ضمن انجام فعالیت‌های گوناگون، برای تحقق محصولات و نتایج آموزشی گام‌های بلندی را برداشته و توانسته‌اند، ضمن ارائه توان خود، تعالی آن‌ها را تضمین کنند. برای شمارش برخی از محصولات این نظام، می‌توان با مراجعه به منابع فهرست‌نگاری و رجالی شیعه همانند: رجالی نجاشی و فهرست طوسی، بسیاری از محصولات و دست‌آوردهای آموزشی آنان را استخراج و منعکس کرد.

۱- مهم‌ترین فعالیت‌های آموزشی

تبیین مرجعیت علمی و آموزشی اهل‌بیت(ع) و فقهای برجسته شیعه، تولید علم، تحصیل، تدریس به‌صورت خصوصی و عمومی و تخصصی برای زنان و مردان، تدریس منظم و مقطعی، ترویج دانش - اندوزی، پرورش فقیه و عالم دینی، هدایت و ارزیابی علمی - تحصیلی دانش‌جویان و محتوا، صدور فتوا، نگارش کتاب و رساله‌های آموزشی، حاشیه یا شرح نویسی، حراست از میراث مکتوب شیعه با نگهداری نسخه‌ها، نسخه‌نویسی، مقابله نسخه‌ها و ترجمه فارسی به عربی، ساماندهی میراث حدیثی شیعه، تولید و توسعه علوم آموزشی و پژوهشی از فقه و حدیث به دیگر حوزه‌ها، پیشگامی در تولید متن، تأسیس علوم، پالایش متون دینی، تبیین روش‌های علمی استنباط و روش‌های تدریس، رصد دیدگاه‌ها و تسلط بر آموزه‌های مخالفان، مناظره، ردیه‌نویسی، مباحثه علمی و نقد آثار مکتوب درون

مذهبی، تشکیل مکاتب علمی حدیثی و کلامی، تأسیس و توسعه مراکز علمی و آموزشی از مسجد به مدارس، کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها، گسترش جغرافیای علمی و آموزشی و شکل‌گیری حوزه‌های علمیه، استفاده از روش‌های تبلیغی و سازمان وکالت در فراگیر کردن آموزش و پاسخ به نیازهای دینی شیعیان، از اهم فعالیت‌ها، خدمات و محصولات عینی و نظری نظام آموزشی امامیه هستند که در این پژوهش شناسایی گردید. (یاوری سرتختی، ۱۳۹۶ش)

۲- مهم‌ترین محصولات و آثار

جنس محصولات و دست‌آوردهای شیعیان در دو دسته خدمات و محصولات، است. برخی از فعالیت‌های آنان ناظر به خدمات و تقویت مهارت‌ها در تحقق تمامی اهداف آموزشی است. ترویج دانش‌اندوزی، پالایش متون، تطبیق نسخه‌ها، صدور فتوا، از جمله این امور هستند. تربیت مفتی، مدرس، تعداد فارغ‌التحصیلان، تأسیس علوم، تأسیس مراکز علمی و تولید متن در محورهای گوناگون نیز از مهم‌ترین محصولات عینی نظام آموزشی امامیه هستند. می‌توان گفت، تربیت نیروی متخصص و پویا، مهم‌ترین محصول آموزش است. این محصول، می‌تواند مایه ارتقاء کیفیت و پایه توسعه جامعه در ابعاد مختلف باشد. بنابر سخن شیخ مفید (م ۴۱۳ق) نتیجه فعالیت‌های گسترده شیعیان آن گردید که: «امامیه از نظر تعداد و از لحاظ علمی، پرجمعیت‌ترین فرقه شیعه است. آنان دانشمندان علم کلام، صالحان، عبادت‌پیشگان، فقیه و علمای حدیث، ادبا و شعرای زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. اینان سرشناسان امامیه، رؤسا و مورد اعتماد در دیانت هستند.» (سیدمرتضی، ص ۳۲۱)

۲-۱- تولید علم و محتوای آموزشی

نقش تأسیسی و توسعه‌ای شیعیان در علوم مختلف از جمله علم نحو، قرائت، تفسیر، فقه، حدیث و کلام و تهیه متون متناسب، (سعد، ج ۶، ص ۲۱۲؛ حسن طوسی، ج ۲، ص ۸۱۲؛ نجاشی، ص ۳۵؛ عساکر، ج ۴۲، ص ۴۰۰) از دیگر محصولات نظام آموزشی امامیه است. این نقش فراتر از علوم اسلامی بوده و موجب تعالی دیگر دانش‌ها نیز گردید. امامیه در نگارش متون دینی ضمن داشتن انگیزه‌های معنوی و رفع نیاز جامعه، تلاش داشتند تا از منابع مطمئن از جمله علم امام معصوم (ع)، میراث مکتوب یا شنیده‌های استادان بهره ببرند. به‌عنوان نمونه سَمَاعَه می‌گوید: «به امام کاظم (ع) عرض کردم: ما جلسات بحث علمی داریم و هر مطلبی که پیش آید، راجع به آن نوشته‌ای داریم، این هم از برکت وجود شما است.» (یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۵۷، ح ۱۳) نتیجه این تلاش‌ها، تألیف کتاب‌ها یا

دفترهای حدیثی با عنوان اصول یا تصانیف گردید که در جوامع شیعی نقل و تدریس می‌گردید. حسن طوسی، الرجال، ص ۴۲۱) فراوانی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی امامیه ناظر به نیاز جامعه و تحت اشراف مراجع علمی بود و نتیجه آن گردید که این شعبه حرانی (م. ح ۴ق) می‌نویسد: «در این عصر علمای شیعه درباره فقه، حلال و حرام کتاب‌های فراوانی نگاشته‌اند. (علی بن شعبه حرانی، ص ۲) جوئل ل. کرمر نیز در تأیید نقش فعال شیعیان در تولید متون فقهی می‌نویسد: «آثار فقهی شیعه امامی در عصر آل‌بویه به نهایت کمال رسید.» (کرمر، ص ۱۱۰) بنابراین، تهیه متن آموزشی با هدف حفظ و حراست از آموزه‌ها و آموزش، توانست مایه تعالی محتوای دانش در دوره‌های بعد باشد.

۲-۲- تعالی مراکز و مکان‌های علمی

شکل‌گیری و رونق حوزه‌های علمیه و کرسی درس در شهرهایی همانند مدینه، قم، کوفه، بغداد و دیگر مناطق شیعه‌نشین و همچنین شکل‌گیری مکاتب حدیثی و کلامی در این حوزه‌ها، بازار نظریه-پردازی را رونق بخشید و دانش‌جویان زیادی را برای کسب علم در این مراکز به‌سوی خود کشاند. جزیره‌العرب، عراق، لبنان، شام و فلسطین، (برآج طرابلسی، ج ۱، ص ۳۰؛ همدانی، ج ۲، ص ۵۹۵؛ عسقلانی، ج ۱، ص ۳۸۶) مصر، (نعمان مفید، ص ۷۶-۷۵؛ نجاشی، ص ۳۷۵، ۶۶) بخارا، (خزاز رازی، ص ۹۱) ماوراءالنهر و ایران، از مناطقی هستند که فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در آن‌ها برقرار بوده است. با کمک شیعیان مراکز علمی توسعه و مکان‌های علمی نوین تأسیس گردید و کرسی‌های درس و تولید متون درسی افزایش یافت. می‌توان گفت اگر در منطقه‌ای چند عالم حضور داشت، جلسات آموزشی نیز فعال بود. به‌عنوان حوزه علمیه قم قطب علمی ایران به حساب می‌آمد و ابراهیم‌بن هاشم کوفی نیز حدیث کوفه را در قم نشر داد. (همان، ص ۱۶)

در نظام آموزشی، مکان‌های آموزشی از جمله نهادهای بنیادی جامعه برای یادگیری، دانش‌اندوزی و انتقال ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی، به حساب می‌آیند. بنابراین، یکی از عناصر اصلی آموزش، مراکز یا مکان‌های آموزشی هستند که بخشی از فعالیت‌های آموزشی در آن اجرا می‌گردد. (صفری فروشانی، ۱۳۸۱ش، شماره ۱) قبل از ساخته شدن مسجد در اسلام، استفاده از فضای منزل برای آموزش معارف دین و علوم مختلف مورد توجه مسلمانان قرار گرفت. چنان‌که رسول خدا(ص) در دوران مکه در خانه ارقم‌بن ابی‌الارقم در کنار صفا به تبلیغ دین می‌پرداختند. (بلاذری، ج ۱، ص ۲۱۴؛ جریرطبری، ج ۱، ص ۵۳۲) اما بعد از ورود به مدینه، مسجد، نخستین مرکزی بود که در کنار عبادت،

برای تعلیم و تربیت مسلمانان در نظر گرفته شد.

گسترده‌گی موضوعات، فعالیت‌های آموزشی، تعداد دانشجویان، روش‌های جدید تدریس، بحث و جدل‌های علمی باعث گردید تا نوع جدیدی از مراکز علمی با نام مدارس پدید آید. مدرسه، در تاریخ اسلام از کارکردهای مسجد منشعب شده است. دلیل توجه به مدرسه را می‌توان در نیاز آن روزگار جست. در آن دوران شیعه برای برون رفت از بحران‌ها، حفظ هویت و میراث خود، جلوگیری از تأثیرات سیاست‌های آموزی خلفا نسبت به جامعه شیعه و برای گسترش تشیع، نیاز به مراکز علمی بیشتری داشت. باید توجه داشت، اولین مدرسه توسط شیعیان امامیه و بعد از آنان، توسط زیدیه و اسماعیلیه تأسیس گردیده است. بنابر گزارش‌های موجود، محمدبن مسعود عیاشی (م ۳۲۰ق) اولین کسی است که خانه خود را مانند مدرسه یا مسجد، به محل تدریس و تجمع ده‌ها نسخه‌بردار، مقابله کننده، قاری متن و تعلیقه‌نویس کرد. عیاشی با برپایی دو کلاس عمومی و خصوصی، سعی کرد تا عوام و خواص شیعه را با آموزه‌های شیعی آشنا سازد. (نجاشی، ص ۳۵۳-۳۵۰؛ حسن طوسی، ص ۴۴۰؛ حلی، ص ۳۳۵) این جلسات سبب گردید، بسیاری از دانشمندان شیعه از مراکز علمی آن روز نظیر قم، رهسپار سمرقند شوند.

با افول بیت‌الحکمه یا کتاب‌خانه‌ها، فراهم شدن آزادی نسبی سیاسی- اجتماعی برای شیعیان و کثرت فعالیت‌های علمی و آموزشی آنان، کافی نبودن فضاهای آموزشی و منابع، تخریب برخی مساجد شیعیان از سوی عباسیان از جمله مسجد بَرثا و گسترش معارف شیعی، اخراج برخی از شیعیان از مدارس نظامیه، (حموی، ج ۱۵، ص ۶۷) دانشمندان امامیه را بر آن داشت تا افزون‌بر مدارس و منازل، دارالعلم‌هایی را برای پاسخ به نیازهای جامعه شیعه، طراحی کنند. (عسقلانی، ج ۴، ص ۲۲۳) دارالعلم، به‌عنوان مراکز پیشتاز در نشر دانش، به محلی اطلاق می‌گردد که دارای چند اتاق یا چند تالار، یک کتابخانه با کارکردهای گوناگون از جمله مطالعه و پژوهش، نسخه‌برداری، تحصیل علم در سطوح عالی، سخنرانی، جلسات مناظره و محلی برای سکونت طلاب بود. در این دارالعلم‌ها، کتاب‌هایی در موضوعات گوناگون فراهم آمده و گروه‌های مختلف علمی و آموزشی در آن فعال بودند و ابزارهای فراوانی مانند کاغذ، مرکب و قلم برای بهره‌وری خوانندگان به‌رایگان فراهم می‌گردید و درهای دارالعلم بر روی همگان باز بود (حموی، ج ۶، ص ۵۳۹، ج ۱۴، ص ۹۸؛ شلبی، ص ۱۵۷) و بنابر گزارش عسقلانی (م ۸۵۲ق)، اولین مؤسس دارالعلم در جهان اسلام، سیدمرتضی (م ۴۳۶ق) است. وی خانه خود را که متشکل از چندین اتاق بزرگ و کتاب‌خانه‌ای با تعداد هشتاد

هزار جلد کتاب بود، دارالعلم نامید و در آن جلسات مناظره و تدریس برقرار بود. به نظر می‌رسد، سیدمرتضی مدرسه‌ای را تأسیس کرده بود، اما با توجه به گستردگی فعالیت‌های علمی آن، نام دارالعلم را که عنوانی ابداعی بود، بر آن نهاده است. سیدمرتضی سرپرستی دارالعلم را برعهده داشت و با نشستن در آن‌جا، شخصا به امور طلاب رسیدگی می‌کرد و در جهت رفاه حال آنان تمام هزینه‌های مدرسه و دانشجویان را می‌پرداخت. (عنه، ص ۲۰۶؛ عسقلانی، ج ۴، ص ۲۲۳)

۲-۳- تخصصی شدن علوم

یکی دیگر از آثار و نتایج نظام آموزشی امامیه تخصصی شدن علوم و تربیت متخصص بود. تخصصی شدن علم کمک شایانی به تحولات آموزشی از جمله، گسترش و توسعه علوم تخصصی می‌کرد. براین اساس امام صادق (ع) به تربیت شاگردان متخصص در هر رشته اقدام کرد. (حسن طوسی، ج ۲، ص ۵۵۴) تفسیر، فرائد و علوم قرآنی، حدیث، فقه، ادبیات عرب، کلام، تاریخ، تراجم و فهرست‌نگاری، فرق و مذاهب، نجوم، فلسفه و دیگر علوم، از محورهای دانشی بودند که متخصصانی را به خود اختصاص دادند. بنابراین، از دیگر آثار و برکات تخصصی شدن علوم، تربیت نیروی انسانی کارآمد بود. چنان‌که محمدبن عیسی اسدی نقل می‌کند که ما داخل مسجد کوفه بودیم و محمدبن سنان در مسجد می‌گفت: «اگر کسی می‌خواهد درباره مسائل پیچیده اعتقادی سؤال کند نزد من بیاید و اگر می‌خواهد درباره حلال و حرام مسائل فقهی بداند، نزد صفوان بن یحیی برود.» (همان، ج ۲، ص ۷۹۶) در عصر غیبت نیز همانند عصر حضور، با توجه به حمایت نسبی امرای شیعه، فرصت مناسبی برای جولان علمی و آموزشی دانشمندان شیعه فراهم گردید و امامیه - در این دوره - از نظر تعداد و از لحاظ علمی، دانشمندان علم کلام، صالحان، عبادت‌پیشگان، فقیه و علمای حدیث، ادبا و شعرای زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. (سیدمرتضی، ص ۳۲۱)

۲-۴- نهادهای تربیت دینی

از دیگر آثار ظرفیت نظام آموزشی امامیه، به‌عنوان یک دست‌آورد فرهنگی و در راستای توسعه منابع انسانی در تمدن اسلامی، گسترش فرهنگ معنویت و تعالی اخلاقی و آداب و رسوم مذهبی در جامعه برای پاسداری از هویت شیعه امامیه است. بنابراین، می‌توان گفت یکی از آثار و برکات فرهنگی نظام آموزشی امامیه، پابندی شیعیان به آموزه‌ها و تجلی اخلاق اسلامی در زندگی آنان بود. (جریر طبری، ص ۲۰۶-۱۹۱؛ نجاشی، ص ۱۹۷) این پابندی به‌گونه‌ای بود که مردم آنان را

می ستودند و موجب تمایز آنان از دیگران می گردید. چنان‌که به ورع و کثرت نماز مشهور بودند (دینوری، ص ۲۳۶؛ حسن طوسی، ج ۲، ص ۴۷۱) و طبق فرمایش امام صادق (ع) علت پایبندی شیعیان به آموزه‌های دینی، ایمان آنان به امامت و کوشش زیاد آنان از دیگران (عامه) برای یادگیری آموزه‌های دینی است. (بابویه قمی، ص ۱۵)

۲-۵- گرایش به مذهب تشیع

دانشمندان شیعه با تکیه بر مبانی و در راستای فرآیند فعالیت‌های نظام آموزشی به اهداف بلندی دست یافتند تا ضمن عبور شیعیان از بحران‌ها و تبیین آموزه‌های آنان، زمینه گرایش دیگران به تشیع را فراهم کنند. یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای این نظام، تقویت نظام فکری امامیه و گسترش تشیع بود. چنان‌که در عصر هر امامی یا در عصر غیبت، شاهد گرایش بسیاری از گروه‌های مذهبی و فرقه‌ای به تشیع هستیم. چنان‌که در عصر حضور افرادی چون ابوخلد کابلی و قاسم‌بن عوف، عبدالملک و حُمران اعین (ژراری، ص ۱۱۳، ۱۳۵؛ حسن طوسی، ج ۱، ص ۳۳۹) و در عصر غیبت نیز برخی از معتزله و خوارج به تشیع پیوستند. مهیار دیلمی، (عمر بن کثیر، ج ۱۲، ص ۴۱) محمدبن عبدالملک تَبان نَسَفی، ابن‌قَبه رازی، عبیدالله بن یعقوب بن نصر انباری (نجاشی، صص ۴۰۳، ۳۷۵، ۲۳۳) و ابوعلی و رَاق (همدانی، ج ۱، ص ۵۱) از معتزله و محمدبن سعید از خوارج به تشیع (حسن طوسی، ج ۲، ص ۸۲۲) تغییر عقیده دادند و همین افراد در حوزه دفاع و تبیین تشیع، آثار ارزشمندی را تولید کردند.

آموزشی امامیه و تمدن نوین اسلامی

با روشن شدن نقش و ظرفیت نظام آموزشی امامیه پنج قرن نخست هجری در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی، اکنون لازم است نسبت نظام آموزشی کنونی ایران با نظام آموزشی امامیه در پیشرفت تمدن نوین اسلامی مشخص و روشن و تبیین گردد که نظام آموزشی امامیه چه مزایایی نسبت به وضعیت موجود دارد و چگونه باید نظام جدید آسیب شناسی شود؟ قبل از پاسخ دادن به این سؤال ضرورت دارد تا مهمترین مباحث و کاستی‌ها یا آسیب‌های نظام آموزشی جدید ایران بیان و نسبت به آن نظام آموزشی امامیه ارزیابی گردد.

طبق بررسی‌های برخی کارشناسان، نظام آموزش و پرورش کشور با مشکلات گوناگونی دست به گریبان است. از این رو شناخت این آسیب‌ها می‌تواند بر کارآمدی و ثمربخشی این نهاد بیافزاید.

ضعف در تبدیل آموخته‌ها به علم، توجه به نظام کمی، آموزش محور بودن، عدم تناسب آموزش‌ها با نیازها و اقتضائات محلی و ملی، فقدان یک تئوری مناسب به‌منظور تعیین جایگاه، اهداف و سند آموزشی کشور، عدم توجه به معنای الهی و متافیزیکی علم و آموزش و نادیده گرفتن هویت تاریخی و ضعف در منابع و محتوای تولید علم، از مهمترین آسیب‌های نظام آموزشی ایران در دوران معاصر است.^۱

باتوجه به تجربه نظام آموزشی امامیه از افق آموزشی مطلوب در تمدن اسلامی، می‌توان گفت، توجه به پی‌گیری و اجرایی کردن اهداف و ویژگی‌های نظام آموزشی در جهت آموزش علم و پروراندن نخبگان برای فعالیت حداکثری، بیشترین نقش را در پیشرفت نظام آموزشی به‌عنوان جزئی از تمدن و دستیابی به فرهنگ و تمدن اسلامی دارند. این نظام به‌دلیل توجه به حراست از مبانی و حضور جدی در میان افراد جامعه در جهت پاسخ‌گویی به نیازها، در طول تاریخ توانسته است از بحران‌ها عبور و نقش آفرینی فعالی داشته باشد. بنابراین، تمدن نوین اسلامی نیازمند نظامی است که به این امور توجه کرده و ضمن نظریه‌پردازی به‌دنبال عملیاتی کردن علم در جامعه بوده و به نکات دیگری از جمله نظام کیفی، پژوهش محور بودن و برآوردن نیازها را مورد نظر قرار دهد.

نتیجه‌گیری

پرسش درباره نقش یا ظرفیت نظام آموزشی امامیه در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی، ما را به این نتیجه رهیافت کرد که این نظام به‌دلیل ظرفیت‌ساز بودن آن، افزون‌بر تعالی خود، بر تمدن اسلامی نیز به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیرگذار بوده است. ساختار نظام آموزشی که متشکل از مؤلفه‌ها و عناصر است به‌عنوان پیشران پایه و ویژگی‌های آن به‌عنوان پیشران‌های ابزاری و مؤثر، باعث گردید تا تهدیدها را به فرصت تبدیل و آثار تمدنی ظهور و بروز نماید. مدیریت، هدفمندی، نیازسنجی، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی و توجه به آموزش پژوهش‌محور، نقش ابزاری را ایفا کرده و بر فرآیند تولید و تعالی علم و آموزش اثرگذار هستند و توانسته است با تکیه بر نظام کیفی و پژوهش‌محوری پیشرفت علم را ضمانت کند.

برپایه این منطق، نتیجه آن گردید که شیعه دارای نظام آموزشی بوده است. این نظام می‌تواند ظرفیت‌ساز بوده و با انجام گونه‌های مختلف فعالیت‌های علمی و آموزشی، بر تولید محتوا یا بخش

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مجله امید انقلاب: سرمقاله آسیب‌شناسی نظام آموزشی، مهر ۱۳۸۵، شماره ۳۷۱.

نرم‌افزاری از جمله علوم انسانی و بر تعالی بخش سخت‌افزاری تمدن اسلامی تأثیرگذار باشد. تولید محتوا و علم، تهیه متن درسی و آموزشی، تخصصی شدن علوم، توسعه مراکز و مکان‌های آموزشی از مهمترین آثار نقش نظام آموزشی امامیه هستند که می‌تواند الگویی برای دانشجویان باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
۳. ابن ادیس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)*، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.
۵. _____ (۱۳۶۲ش)، *صفات الشیعه*، تهران، علمی، چاپ اول.
۶. _____ (۱۴۱۵ق)، *المقنع*، قم، امام مهدی (عج)، چاپ اول.
۷. _____ (۱۴۰۳ق)، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.
۸. _____ (۱۴۰۴ق)، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۹. ابن برآج طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، *المهذب*، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.
۱۰. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الأولى.
۱۱. ابن حجر عسقلانی احمد بن علی (۱۳۹۰ق)، *لسان المیزان*، بیروت، نشر الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۲. ابن حجر هیثمی، احمد بن علی (۱۳۸۵ق)، *الصواعق المحرقة فی الراد علی اهل البدع و الزندقه*، مصر، مکتبه القاهره، ط ۲.
۱۳. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم (بی‌تا)، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، بیروت، دارالثقافه.
۱۴. ابن داود حلی، حسن بن علی (۱۳۴۲ش)، *الرجال*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.

۱۵. ابن سعد، محمدبن منیع(۱۴۱۸ق)، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.
۱۶. ابن شُعبه حرّانی، حسن بن علی(۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول(ص)، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۷. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله(۱۴۲۱ق)، جامع بیان العلم و فضله، بیروت، دارالکتب، چاپ اول.
۱۸. ابن عساکر، علی بن حسن بن هبّه‌الله(۱۴۱۷ق)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۱۹. ابن عنبه، احمدبن علی(۳۸۰ق)، عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب(ع)، نجف الاشرف، منشورات المطبعه الحیدریه، چاپ دوم.
۲۰. ابن ندیم، محمدبن ابی یعقوب(بی تا)، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی جا.
۲۱. ابوحنیفه دینوری، احمدبن داود(۱۳۶۸ش)، الأخبار الطوال، قم، منشورات الرضی.
۲۲. ابوغالب زراری، احمدبن محمد(۱۳۶۹ش)، رساله ابی غالب الزراری إلى ابن ابنه فی ذکر آل أمین، قم، مرکز تحقیقات اسلامی، چاپ اول.
۲۳. احمدبن علی نجاشی، الرجال، ص ۱۲.
۲۴. اعرافی، علی رضا(۱۳۸۷ش)، فقه تربیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۲۵. امام حسن عسکری(ع) (۱۴۰۹ق)، التفسیر: منسوب به امام حسن عسکری(ع)، قم، مدرسه امام مهدی، چاپ اول.
۲۶. باقری، خسرو(۱۳۸۷ش)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول.
۲۷. برقی، احمدبن محمدبن خالد(۱۳۴۲ش)، المحاسن، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۸. بلاذری، احمدبن یحیی(۱۴۱۷ق)، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ط الأولی.
۲۹. ترمذی، محمدبن عیسی بن سوره(۱۴۰۳ق)، السنن، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم.
۳۰. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد(۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم، قم، چاپ دوم، دارالکتاب

الإسلامی.

۳۱. ثعالبی، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۴۲۰ق)، *یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۳۲. حجتی، سید داود (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ تعلیم و تربیت*، تبریز، احرار، چاپ اول.
۳۳. حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۵ش)، *نگرشی بر آموزش*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
۳۴. حموی، یاقوت (۱۳۹۹ق)، *معجم الادباء*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳۵. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمه الاثنی عشر (ع)*، قم، بیدار.
۳۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۸۰ش)، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۷. ذهبی، محمد بن أحمد (۱۹۶۱م)، *العبر فی خبر من غیر*، کویت، مطبعه حکومه، چاپ اول.
۳۸. رضائیان، علی (۱۳۸۸ش)، *سازمان و مبانی مدیریت*، تهران، سمت، چاپ سیزدهم.
۳۹. رهبر، محمد تقی و رحیمیان، محمد حسن (۱۳۸۵ش)، *اخلاق و تربیت اسلامی*، تهران، سمت.
۴۰. رهنمایی، سید احمد (۱۳۹۵ش)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۴۱. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
۴۲. سیدرضی موسوی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، ترجمه حسین انصاریان، قم، هجرت، چاپ اول.
۴۳. سیدمرتضی علم الهدی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق)، *الفصول المختاره*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۴۴. شاملی، عباس علی (۱۳۸۴ش)، *مبانی و اصول فلسفه آموزش و پرورش از یک چشم‌انداز دینی*، معرفت شماره ۹۲.
۴۵. شبلی، احمد (۱۳۸۷ش)، *تاریخ آموزش در اسلام از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر*، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران، نگاه معاصر.

۴۶. شریعتمداری، علی (۱۳۷۰ش)، اصول تعلیم و تربیت، تهران، دانشگاه تهران.
۴۷. شمساوری، پری سیما (۱۳۹۲ش)، حکومت، دین و آموزش و پرورش: آموزش و پرورش در ادیان و آیین‌های جهانی، ترجمه محمدرضا امین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۴۸. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، قم، مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۴۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۱ش)، فصل‌نامه طلوع: روند تاریخی آموزش از صدر اسلام تا پایان امویان، شماره ۱.
۵۰. طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، طبعه الثانیة، دار التراث، بیروت.
۵۱. طبری، محمدبن جریر شیعی (۱۴۱۵ق)، المسترشد فی إمامه علی بن ابی طالب (ع)، قم، کوشانپور، چاپ اول.
۵۲. طرقي، جعفر و علی اسماعیلی (۱۳۸۶ش)، دانش مدیریت مبانی سازمان و مدیریت، اصفهان، دانشگاه اصفهان، چاپ اول.
۵۳. طوسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، چاپ چهارم.
۵۴. طوسی، محمدبن حسن ۱۴۰۹ق (،) اختیار معرفه الرجال، مشهد، دانشگاه مشهد، چاپ اول.
۵۵. _____ (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم، دارالثقافه، چاپ اول.
۵۶. _____ (۱۳۷۳ش)، الرجال، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم.
۵۷. _____ (۱۴۱۴ق)، الرسائل العشر، قم، مؤسسه نشر الإسلامی، چاپ دوم.
۵۸. _____ (۱۴۲۰ق)، فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، قم، مکتبه محقق طباطبایی، چاپ اول.
۵۹. عبداللهی، ابوطالب (۱۳۸۷ش)، حصون: خلاقیت و نوآوری در عرصه تعلیم و تربیت، شماره ۱۸.
۶۰. عثمان، هاشم (۱۴۱۴ق)، تاریخ الشیعه فی ساحل بلاد الشام الشمالی، بیروت، مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات.

۶۱. قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸ش)، *التقصص معروف به بعض مثالب النواصب فی تقصص بعض فضائح الروافض*، تهران، چاپ اول.
۶۲. کراچکی، محمدبن علی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم، دارالذخائر، قم، چاپ اول.
۶۳. کرمر، جوئل (۱۳۷۵ش)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمدسعید حنایی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۶۴. کریمی زنجانی، محمد (۱۳۸۹ش)، *دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام*، تهران، اطلاعات، چاپ دوم.
۶۵. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۴ق)، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
۶۶. کیلانی، ماجد عرسان (۱۳۹۰ش)، *فلسفه تربیت اسلامی*، ترجمه و نقد بهروز رفیعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۶۷. گروه مشاوران یونسکو (۱۳۸۴ش): *فرآیند برنامه ریزی آموزشی*، ترجمه فریده مشایخ، تهران، وزارت آموزش و پرورش، چاپ ۱۶.
۶۸. گلشن فومنی، محمدرسول (۱۳۸۲ش)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران، دوران، چاپ سوم.
۶۹. محمدجواد، یآوری سرتختی (۱۳۹۵ش)، *راهبردها و راه‌کارهای نظارت و ارزیابی در نظام آموزشی امامیه عصر حضور*، فصل‌نامه تاریخ اسلامی در آینه پژوهش، شماره ۴۱.
۷۰. محمدجواد یآوری سرتختی (۱۳۹۶ش)، *رساله دکتری: بررسی وضعیت تاریخی نظام آموزشی امامیه در پنج قرن نخست هجری*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷۱. مجله امید انقلاب (مهر ۱۳۸۵): *سرمقاله آسیب شناسی نظام آموزشی*، شماره ۳۷۱.
۷۲. مرکز جهانی علوم اسلامی (۱۳۷۷ش)، *درآمدی بر نظام تربیت اسلامی*، قم، امین، چاپ اول.
۷۳. مسکویه رازی، احمدبن محمد (۱۳۷۹ش)، *تجارب‌الأمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، چاپ دوم.

۷۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹ش)، *جامعه و تاریخ*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم.
۷۵. _____ (۱۳۹۱ش)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، موسسه امام خمینی، چاپ دوم.
۷۶. مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۷۷. _____ (۱۴۱۳ق)، *المسائل السرویة*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۷۸. _____ (۱۴۱۳ق)، *المسائل الصاغانیة*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۷۹. _____ (۱۴۱۳ق)، *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۸۰. _____ (۱۴۱۳ق)، *النکت الاعتقادیة*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۸۱. _____ (۱۴۱۳ق)، *المقنعه*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۸۲. _____ (۱۴۱۴ق)، *تصحیح اعتقادات الإمامیة*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ دوم.
۸۳. _____ (۱۴۱۳ق)، *الامالی*، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
۸۴. میبدی، محمدفاکر (۱۳۹۳ش)، *مطالعات اهل بیت شناسی: سیره آموزشی امام صادق (ع)*، قم، جامعه المصطفی العالمیة، شماره اول.
۸۵. همت بناری، علی (۱۳۸۸ش)، *نگرشی بر تعامل فقه و تربیت*، قم، مؤسسه امام خمینی، چاپ اول.
۸۶. همدانی، عبدالجبار (بی تا)، *تثبیت دلائل النبوة*، قاهره، دارالمصطفی، چاپ اول.